

## فرهنگ مشتمال و مشتمالچی در گرمابه و زورخانه و

راهکارهای احیاء این شغل (مقاله پژوهشی)

گلفام شریفی\*

(تاریخ دریافت: ۹۹/۰۶/۲۲، تاریخ تأیید: ۹۹/۰۸/۱۵)

### چکیده

گرمابه و زورخانه از نهادهای تاثیرگذار و عناصر اصلی محله‌های شهرهای قدیم بوده‌اند. این اماکن میراث‌های با ارزشی را در طی سالیان، نسل به نسل انتقال داده‌اند. گرمابه از زمان پهلوی دوم جای خود را به حمام‌های شخصی داد و زورخانه نیز با جدا شدن کشتی پهلوانی از گود زورخانه به دو پاره تقسیم گردید. در این پژوهش سعی ما بر این بوده است تا به مسوولیت‌های مشتمالچی و تحولات این شغل از دیرباز تاکنون در دو مکان گرمابه و زورخانه بپردازیم. همچنین به این پرسش پاسخ دهیم که چون امروزه این شغل رو به فراموشی گذاشته است، آیا می‌توان با وجود تغییر شرایط جامعه، راهکاری برای صیانت از آن ارائه داد. به نظر می‌رسد عدم شناخت دقیق روش مشتمال و تفاوت آن با ماساژ مدرن سبب شده تا با تغییر سبک زندگی، شغل مشتمالچی به فراموشی سپرده شود. در نهایت، نگارنده متذکر می‌شود که احیاء این شغل در زورخانه دور از ذهن به نظر می‌رسد اما در خصوص گرمابه پیشنهاداتی ارائه داده است تا به جای پذیرش پایان حیات این اماکن و تغییر کاربری این سازه‌ها، با شناخت دقیق روش مشتمال و شغل مشتمالچی، گرمابه‌ها را به چرخه حیات اقتصادی بازگردانیم.

کلیدواژه‌گان: گرمابه، زورخانه، مشتمالچی، ماساژ، کشتی

---

\* استادیار پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری، تهران [golfamsharifi@gmail.com](mailto:golfamsharifi@gmail.com)

## مقدمه

گرمابه و زورخانه از بخش‌های اساسی محله‌های شهرهای قدیم ایران بوده‌اند. این نهادهای تاثیرگذار، میراث‌های ارزشمندی را نسل به نسل محفوظ داشته و به توده مردم انتقال داده‌اند. بناهای معماری تاریخی تنها اثر هنری نیستند، بلکه در زمان کاربرد و حضور مردم در این سازه‌ها، به دلیل توجه به زندگی انسانی، دارای فرهنگ و زبان خاص خود بوده و جایگاه ویژه‌ای در زندگی اجتماعی داشته‌اند. پژوهش‌های بسیاری به تاریخچه و هنر معماری این بناها پرداخته شده است، اما کمتر پژوهش مستقلی می‌یابیم که درباره مشاغل در این اماکن صحبت کرده باشد. هر شغل و حرفه‌ای باید با نیازهای روز سازگار باشد و خواسته‌های مردم را برآورده سازد اما با ظهور مدرنیته، این دو مکان دچار تحولات بسیاری گشته‌اند.

گرمابه در ایران، از زمان پهلوی دوم به بعد، به‌ویژه پس از پیروزی انقلاب اسلامی، بتدریج کارکرد خود را از دست داد و دچار تحول ساختاری شد. خزینه‌ها و گرمابه‌های عمومی جای خود را به حمام‌های نمره دادند و در دهه‌های اخیر، تحت‌تأثیر مدرنیته غربی با ورود دوش<sup>۱</sup> به منازل شخصی، بخشی از فضای خانه به حمام اختصاص داده شد. بنابراین روز به‌روز از مشتریان گرمابه‌ها کاسته شد و در حال حاضر بیشتر، افرادی نظیر سربازان و کارگران ساختمانی از گرمابه‌های عمومی و نمره استفاده می‌کنند. در پی ویرانی گرمابه‌های عمومی، کارکردهای متنوع اجتماعی و بسیاری از مشاغل گرمابه‌ها برای همیشه به فراموشی سپرده شد و رسومی مانند کیسه‌کشی و مشت و مال در گرمابه‌ها از رونق افتاد.

در حال حاضر، کار در گرمابه‌های عمومی وجهه خوبی ندارد و دلاک و کارگر گرمابه جزء مشاغل فرودست در اجتماع شناخته می‌شوند. از سوی دیگر شغل این افراد، کار یدی تلقی می‌گردد که نیاز به تفکر و خلاقیت ندارد و به صورت روزمره تکرار می‌شود. همچنین، عوامل محیطی نظیر سطح منطقه، میزان دستمزد و عوامل شخصی مانند مسائل اقتصادی، ارزش‌های

---

۱ به احتمال زیاد ممتحن‌الدوله نخستین حمام دوشی را در ۱۲۵۸ش در ایران ساخت. وی در اراضی باغ سپهسالار چهار حیاط، دو عمارت اندرونی و دو عمارت بیرونی با یک حمام بزرگ با دوش‌های عمومی و خصوصی بنا کرد. (علیپور و ولی‌زاده، ۱۳۸۴: ۴۰۵)

جمعی، سنت‌های اجتماعی و تاریخی نیز بر عدم رضایت شغلی دلاکان تاثیر گذاشته است (توسلی، ۱۳۷۵: ۹۶-۹۷ و ۱۵۱).

شیوه کار در زورخانه‌ها را باید به‌گونه‌ای دیگر در نظر گرفت. در دهه‌های ۲۰ و ۳۰ خورشیدی سنت پهلوانی قربانی شرایط سیاسی- اجتماعی جدید شد. کشتی از گود زورخانه جدا و به تشک راه یافت در نتیجه، سنت پهلوانی دو پاره شد؛ یک پاره کشتی پهلوانی بود که در میدان‌های ورزشی راه خود را پیش گرفت و دیگری مراسم زورخانه که با غیبت کشتی معنای خود را از دست داد (مختاری و صابر، ۱۳۸۱: ۳۷-۳۳). زورخانه که در گذشته نهادی ورزشی و اجتماعی با کارکردهای ویژه به شمار می‌آمد، در گذر از دوره سنتی به مدرنیسم، شاهد تحولات بسیاری در آداب و رسوم گشت..

از آنجا که توجه به مشاغل و اصناف از دیدگاه مردم شناسی و زبان شناسی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است، در این پژوهش به تغییر و تحولات شغل مشتمالچی در گرمابه و زورخانه از گذشته تا امروز می‌پردازیم. شغل مشتمالچی مردانه است که افرادی از گذشته تاکنون در اماکن فوق‌بدان مشغول بوده‌اند اما این شغل به دلیل تحولات اجتماعی، سیاسی و اقتصادی در گذر زمان تغییر یافت و همچون بسیاری دیگر از مشاغل در حال فراموشی است (سلیمی موید، ۱۳۹۸: ۶۲-۶۹؛ موسی پور، ۱۳۹۰: ۹۴-۱۰۴)<sup>۱</sup>. علاوه بر آن، معنای واژه مشتمالچی نیز تحت تأثیر عوامل بیرونی مذکور قرار گرفته، تغییر یافت (ابوالقاسمی، ۱۳۷۴: ۳۵-۴۴). این پژوهش به توصیف، تجزیه، تحلیل و شیوه کار مشتمالچی از دیرباز تاکنون در گرمابه و زورخانه می‌پردازد.

گرمابه و زورخانه کانون‌های ترویج فرهنگ سنتی، شفاهی و بقای باورهای جمعی را در میان اقشار مختلف مردم بر عهده داشته‌اند و از گذشته‌های دور، شغل مشتمالچی در این اماکن جایگاه ویژه‌ای داشته است. مسئله اصلی در این پژوهش بدین صورت طرح خواهد شد که چرا با تغییر تکنولوژی و تغییر شرایط اجتماعی، این شغل نتوانست با شرایط جدید وفق پیدا کند و

---

۱ جعفر شهری فهرستی از مشاغل رایج در تهران قدیم ارائه داده است که بسیاری از آن‌ها فراموش شده یا در حال فراموشی است (۱۳۸۱، جلد ۴: ۳۳۹-۳۴۰).

جایگاه فروتری در جامعه یافت و کارکرد اصلی این شغل رو به زوال گذاشته شد؟ آیا راهی برای احیاء این شغل در آینده به نظر می‌رسد؟ چگونه با نوآوری می‌توان جایگاه تازه‌ای به این شغل داد. بنظر می‌رسد عدم شناخت دقیق روش مشتمال و تفاوت‌هایی که میان مشتمال با ماساژ وجود دارد، سبب شده تا با تغییر سبک زندگی، شغل مشتمالچی، شیوه مشتمال و معنای واژه مشتمال فراموش و به جای آن ماساژهای مدرن در مراکز ورزشی و هتل‌ها جایگزین شوند.

### روش پژوهش

در این پژوهش، نخست با مراجعه به اسناد، منابع مکتوب و فرهنگ‌ها اطلاعات با ارزشی درباره این شغل از دیرباز تاکنون بدست آمد. بخش اساسی اطلاعات بر اساس کار میدانی و مصاحبه‌های عمیق با زورخانه‌داران، باستانی‌کاران، مرشدها، گرمابه‌داران و دلاکان بدست آمد. آنجا که بیشتر گرمابه‌داران و دلاکان تمایلی به مصاحبه و ضبط صدای خود نداشتند از ذکر نام آن‌ها خودداری می‌گردد اما نام مرشدها، زورخانه‌داران و برخی باستانی‌کاران مصاحبه‌شونده آورده شده است.

لازم به ذکر است که پژوهش درباره شغل مشتمالچی در گرمابه و زورخانه اطلاع دقیقی درباره دستمزد انجام کار به پژوهشگر نمی‌دهد و نیاز به روش‌های دیگر دارد از جمله آنکه پژوهشگر باید به صورت مشاهده مشارکتی در میدان حضور پیدا کند و خود، مشتری گرمابه یا ورزشکار باشد تا از دستمزدهای جانبی این افراد اطلاع پیدا کند از آنجائیکه بخشی از دستمزد این افراد از طریق انعام ورزشکاران و مشتریان گرمابه تأمین می‌گردد. به دلیل شرایط سنتی و اعتقادی جامعه، این مهم در گرمابه برای پژوهشگر ممکن نگردید. بنابراین، برای جبران این کاستی از یکی از همکاران مردم‌شناس<sup>۱</sup> کمک گرفتیم و ایشان به خواهش نگارنده به عنوان مشتری در گرمابه باب همایون تهران حضور پیدا نمود و پرسش‌های پژوهش را از دلاک و مشتمالچی گرمابه پرسید.

۱ از همکار محترم جناب آقای سیامک برفروشان بسیار سپاسگزارم.

حضور یک پژوهشگر زن در زورخانه، با مشکلات فراوانی همراه بود. بنابراین همراهی یک مرد در محیط مردانه زورخانه‌ها ضروری بود. در همه پژوهش‌های میدانی و مصاحبه با زورخانه‌داران، همسر نگارنده از کوچکترین همراهی دریغ نوزید. در این مکان‌ها، ساعت‌های طولانی با حضور در زورخانه‌های تهران یا محل اجتماع مرشدان در حسینیه اول مظلوم، با این افراد ارتباط برقرار کردیم. در حالی که امکان شرکت در ورزش باستانی در کنار دیگر ورزشکاران برای نگارنده میسر نبود، نگارنده بر تن پسر خود پیراهن و شلوار باستانی پوشانید و بارها به گود زورخانه فرستاد تا بیشتر در جامعه باستانی پذیرفته شود.

### ۱. ساخت و معنای واژه مشتمالچی

این واژه از سه جزء «مشت، مال، چی» تشکیل شده است. مشت از mošt<sup>۱</sup> بن ماضی فعل moštan و māl بن مضارع فعل mālīdan بدست آمده است. مصدر این افعال در زبان پهلوی به معنای مالیدن و رفتن است (مکنزی، ۱۳۷۳: ۱۰۹ و ۳۰۵).  
درباره واژه «مشتمالچی» در فرهنگ‌های یک زبانه فارسی توضیحاتی داده شده که بقرار زیر است.

مشتمالچی: (صفت مرکب، اسم مرکب) از اسم مرکب مشت مال و پسوند چی (فارسی-ترکی)، مصدر مشت مال دادن از فعل متعدی است. (فرهنگ معین)؛ مشتمالچی: صفت و اسم از مشت و مال فارسی و چی ترکی است به معنای آن‌که کارش مشت و مال دادن است، مشتمال‌دهنده. (انوری، ۱۳۸۲).

"مشتمالچی سربینه شروع به مشتمالشان می‌کرد" (شهری، ۱۳۸۱: ۵۱۰). مشتمالچی به دو صورت یکی با تای ساکن و دیگری با تای مضموم تلفظ می‌شود و صفت مرکب است به معنای کسی که شغل وی مشتمال دادن کسان در حمام و زورخانه و دیگر جای باشد. مشتمال دادن مصدر مرکب است به معنای مشتمال کردن، با دست مالیدن (لغت‌نامه دهخدا). در فرهنگ معین تنها به این شغل در گرمابه اشاره شده در حالی که در لغت‌نامه دهخدا علاوه بر گرمابه،

۱. هر دو صورت بن ماضی در زبان پهلوی ضبط گردیده است. (مکنزی، ۱۳۷۳)

کاربرد این شغل در زورخانه نیز آمده است. در فرهنگ سخن تنها به مدخل «مشتمال» اشاره شده و در انتهای تعریف، این واژه مترادف ماساژ قرار گرفته است. به نظر می‌رسد به دلیل کمرنگ شدن این شغل و سپس کاربرد اندک واژه مشتمالچی در زبان، این واژه در فرهنگ مذکور مدخل نشده است.

شاید یکی از دلایلی که در منابع مربوط به گرمابه، کمتر به واژه مشتمالچی بر می‌خوریم، این باشد که مشتریان گرمابه بیشتر با گرمابه‌دار (حمومی) و دلاک سر و کار دارند و در اشعار، ترانه‌ها، (احمدی، ۱۳۸۵: ۱۲۰-۱۱۹، ۱۴۷) ضرب‌المثل‌ها (اکبری، ۱۳۹۷: ۳۳-۳۱)، چیستان‌ها، باورهای عامیانه و قصه‌ها (شهری، ۱۳۸۱: ۵۲۱-۵۲۴؛ رضاپور، ۱۳۸۱: ۳۱۲-۲۸۸) بیشتر به حمامی و دلاک اشاره شده و شغل مشتمالچی در گرمابه به حاشیه رفته و در بیشتر فرهنگ‌ها معنای مشتمالچی همان دلاک در نظر گرفته شده است. (کریمیان سردشتی، ۱۳۸۲: ۹۹-۹۵). در سال‌های اخیر برخی مترجم‌ها برگردان فارسی واژه ماساژور را مشتمالچی آورده‌اند (نایپل، ۱۳۹۴). اما در ادامه مطلب خواهیم گفت که تکنیک و روش کار مشتمالچی با ماساژ دهنده به کلی متفاوت است.

### مروری بر شغل مشتمالچی در گذشته

آیین و ایدئولوژی از دیرباز تاکنون فعالیت افراد را ارزش‌گذاری کرده تا جایی‌که زمانی یک کار در رتبه بالا و گاه در زمان و مکان دیگر جزء مشاغل پائین جامعه بوده است (توسلی، ۱۳۷۵: ۲). ابن سینا در کتاب *تانون* بحث جالب مشتمال را مطرح می‌کند و به تعریف چهار نوع ماساژ می‌پردازد. ۱. ماساژ سخت، ۲. ماساژ نرم، ۳. ماساژ با مالش زیاد و ۴. ماساژ معتدل. اگر این چهار نوع ماساژ با یکدیگر ترکیب شوند نه حالت ماساژ ایجاد می‌شوند که عبارتند از ۵. مالش‌های سخت و نرم، ۶. سخت و زیاد، ۷. سخت به اعتدال، ۸. نرم زیاد، ۹. نرم به اعتدال. ابن سینا از دو نوع مالش زیر و صاف نیز یاد می‌کند. وی در ادامه می‌افزاید هر مالش قاعده‌ای دارد، پیش از ورزش، ماساژ باید نرم باشد و پس از آنکه از مالش بلند می‌شویم، مالش باید تند شود. پس از پایان ورزش، مالش باید آرامش بخش باشد تا از ورزشکار رفع خستگی شود و تاکید می‌کند که مشتمال خردسالان و نوجوانان را از رشد باز می‌دارد. وی ماساژ پایانی را جزئی از ورزش بر

می‌شمارد نحوه انجام آن را به تفصیل شرح می‌دهد و هدف از مشتمال را محکم کردن بدن می‌داند. (ابن سینا، ۱۳۸۹، کتاب ۱: ۳۷۵-۳۷۳).

از آنچه از گفته‌های ۹ گرمابه‌دار و دو دلاک در شهر تهران به دست آمد، درگذشته، شغل مشتمالچی در حمام‌های عمومی، تنها مشت و مال مشتریان بوده است، اما گاه لنگ و حوله نیز برای مشتری می‌انداختند. یکی از کهن‌ترین منابع مکتوب درباره این شغل رساله در متعلقات صنعت دلاکی تألیف محمدکریم بن ابراهیم کرمانی (سده ۱۳ ه.ق.) است. در باب چهارم این کتاب که مربوط به کیسه کشیدن و سنگ پا به کار بردن و مالش دادن است، فصلی به مالش بدن یا باصطلاح مشت و مال اختصاص داده شده است. در بخشی از این فصل درباره منافع و نحوه مشت و مال و ویژگی‌های مشتمالچی چنین آمده است:

"..... بهترین دست‌ها برای مالش دست گوشتی بزرگ است و بدتر از همه دست

لاغر کوچک و باید مالش به درد آوردن نرسد که انسان کوفته و خسته شود....."

(کرمانی، ۱۳۹۵: ۴۹-۴۸).

در شهرستان‌ها و حمام‌های کوچک مشتمالچی‌ها بیشتر به دلاکی و کیسه‌کشی می‌پرداخته‌اند. به طور مثال پاپلی یزدی در دهه ۱۳۳۰ خورشیدی در شهر یزد از دلاکی به نام حسین میشلن نام می‌برد که به کار مشت و مال نیز مشغول بود:

"چرا به او میشلن می‌گفتند: نمیدانم. مرد چهار شانه ورزیده‌ای بود، بدن آدم‌ها را مشت و مال می‌داد. به اصطلاح امروزی‌ها ماساژور<sup>۱</sup> بود. حسین میشلن مرا می‌شناخت. پرسید حسین آقا می‌خواهم مشت و مالت بدهم؟ گفتم اشکالی ندارد. آن مرد قوی به جان من افتاد. پشت و بازو، گردن و پاهای مرا به سختی مشت و مال می‌داد. همه جای بدنم درد گرفته بود، ولی شهامت آنکه بگویم بس است نداشتم...." (پاپلی یزدی، ۱۳۸۴: ۲۲۷).<sup>۲</sup> در گرمابه‌های کرمان نیز دلاک به کیسه‌کشی می‌پرداخت. اما اگر مشتری تمایل به مشت و مال داشت، نخست دلاک او را مشت و مال

۱ نحوه کار مشتمالچی با ماساژور کاملاً متفاوت است.

۲ در گفتگویی که نگارنده با استاد پاپلی یزدی در اسفند ۱۳۹۷ در شهر اردکان داشت تا آن زمان نیز دلاک به منزل دایی ایشان در شهر یزد می‌رفت و به صورت خصوصی به کیسه‌کشی و مشت و مال می‌پرداخت. به نقل از ایشان، دستمزد این افراد بیشتر، از محل انعام مشتریان بود.

می‌داد سپس مرحله کیسه‌کشی شروع می‌شد. در پایان، هر یک از اعضاء بدن به ویژه ستون فقرات یک بار دیگر مشت و مال داده می‌شد. (رضاپور، ۱۳۸۱: ۲۵۴-۲۴۹). با جمع‌آوری اطلاعاتی که از ۱۰ مرشد و ۱۲ باستانی‌کار در زورخانه‌های تهران بدست آمد، در گذشته شغل مشتمالچی در زورخانه‌ها مربوط به آماده کردن بدن ورزشکار برای کشتی در گود زورخانه بوده است و بسیاری از امور دیگر نیز بدو محول می‌شد. لازم به یادآوری است که از دیرباز مشتمالچی زورخانه برخلاف مشتمالچی گرمابه، از احترام والایی گاه در حد مرشد برخوردار بوده است. وی مورد اعتماد زورخانه‌دار بود و در میان زورخانه‌داران به امانت و عزت نفس شهرت داشت. اما از دهه ۱۳۳۰ که کشتی از زورخانه جدا شد و بر روی تشک رفت، از مسوولیت‌های مشتمالچی کاسته شد و این شغل بتدریج به آبدارچی و نظافتچی زورخانه تنزل یافت. در اینجا به دلیل مراجعه بیشتر مردم به گرمابه‌ها، نخست به شغل مشتمالچی در گرمابه، سپس در زورخانه می‌پردازیم.

### مشتمالچی در گرمابه

از دیرباز مشتریان گرمابه‌ها، علاوه بر استحمام، به صورت منظم مشت و مال می‌شدند. در قواعد صحت جالینوس سفارش بسیار شده که انسان باید علاوه بر توجه به تغذیه، برای سلامتی و طول عمر، ورزش، استحمام و دلک نیز اعمال دارد (امین، ۱۳۱۳: ۱۹-۲۰). عواملی نظیر اهمیت، وسعت، عملکردهای متفاوت و حجم مشتریان گرمابه‌ها موجب کاهش یا افزایش خدمه گرمابه‌ها می‌شد. البته با توجه به شلوغی گرمابه‌ها، سطح اقتصادی و اجتماعی مردم، تعداد خدمه گرمابه‌ها تغییر می‌یافت. بنابراین در گرمابه‌های تهران به علت ازدحام جمعیت، تقسیم کار میان کارکنان گرمابه صورت می‌گرفت و دلاکان و مشتمالچی‌ها، هر یک وظیفه‌ای جداگانه‌ای بر عهده داشتند و به امور مشتریان رسیدگی می‌کردند. (اطلاعات شفاهی آقای امانی، گرمابه‌دار) مشتری پس از ورود به سربینه و درآوردن لباس، جهت پوشش لنگ<sup>۱</sup> به دور خود می‌پیچید. پاها را در حوض مقابل می‌گذارد و دلاک آب گرم روی مشتری می‌ریخت و مشتمالچی قسمت‌های مختلف بدن افرادی که مایل بودند، مشت و مال می‌داد. مشتری پس از مدتی وارد گرمخانه و خزینه آب‌گرم می‌شد.

۱ در بیان فوطه لنگ و خطبه کیسه حمام نگاه کنید به چهارده رساله در باب فتوت و اصناف، ۱۳۸۱: ۲۰۷-۲۰۱.



زمانی که از خزینه خارج و وارد محوطه کیسه‌کشی می‌گردید، نخست دلاک لنگ خشکی برای مشتری می‌گسترده و لنگ خشک دیگری را چنبر می‌کرد و زیر سرش قرار می‌داد و بدن مشتری را کیسه می‌کشید. این کیسه‌کشی مقدمه مشت و مال بود. مشتری برای فراخواندن مشتمالچی به کار در سربینه بلند صدا می‌زد: "نَخَس". مشتمالچی دوباره به مشت و مال تمام اعضای بدن می‌پرداخت. البته گسترده لنگ و مشت و مال مخصوص مشتریان ثروتمند بود و افراد بی بضاعت از آن نصیبی نمی‌بردند. (اطلاعات شفاهی آقای امانی، گرمابه‌دار؛ نجمی، ۱۳۶۸: ۲۹۴)

از دیگر مشاغل گرمابه می‌توان به قطار کش<sup>۱</sup>، جامه دار، دخل گیر و موتور سوزون یا همان شغل تون تاب اشاره کرد. علاوه بر اینها شغل "سبزی او"<sup>۲</sup> یا قهوه‌چی نیز در گرمابه بوده که به مشتریان چای تعارف می‌کرده است. تا اواخر دهه ۶۰ این مشاغل جداگانه بود اما امروزه به دلیل کاهش مشتریان گرمابه‌ها، کارهای مربوط به گرمابه تفکیک نمی‌شود و برای هر یک از امور کارگری جداگانه اختصاص نمی‌یابد (اطلاعات شفاهی آقای امانی، گرمابه‌دار).

شغل مشتمالچی سنگین بود، وی باید مشتری قوی هیکلی را روی زمین می‌نشاند که تحمل ضربات را داشته باشد. سپس از پشت با وارد کردن هر ضربه لخته خون را رد می‌کرد و با کل بدن روی مشتری قرار می‌گرفت، لیز می‌خورد و پایین می‌رفت. از ویژگی‌های بدنی مشتمالچی اینکه دست و پای قوی داشته باشد تا بتواند مشتری را به هر طرف بخواباند. همچنین بازوهای قوی نیاز داشت تا عضلات بدن مشتری قوی هیکل را مشت و مال دهد. علاوه بر این، باید در حرفه خود مهارت خاصی می‌داشت. در صورت عدم تجربه ممکن بود هنگام مشت و مال، شکستگی عضو پیش آید. پس از مشت و مال، مشتری احساس نشاط و سبکی می‌کرد، عضلاتش از هم باز می‌شد و خون در رگ‌ها جریان منظمی می‌یافت. تعداد مشتمالچی‌ها به شلوغی گرمابه و تعداد مشتری‌ها بستگی داشت. به طور مثال در گرمابه باب همایون تهران دست کم دو مشتمالچی و سه قطارکش کار می‌کرده‌اند. این افراد دستمزد خود را از گرمابه‌داران دریافت می‌کردند لیکن باید یادآور شد انعام دریافتی مشتمالچی از مشتریان به مراتب بیشتر از دستمزدشان بود.

---

۱ لنگ‌ها و حوله‌ها را برای خشک شدن به پشت بام می‌برد.

در اینجا لازم است درباره نحوه و روش‌های مشت و مال توضیح داده شود. مشتریان گرمابه‌ها به دلایل گوناگون نظیر رفع کسالت، کمر درد، کتف درد، گردن درد و گرفتگی عضلات به مشتمالچی مراجعه می‌کنند. مشتمالچی تنها با دست و پا مشتری را مشت و مال می‌دهد. مشتمالی به دو صورت انجام می‌گیرد یا مشتری عجله دارد و مشتمالچی دست نرمی به پشت، پهلوها و دستی به سینه و گردن وی می‌کشد و پس از آن کیسه کشی دلاک شروع می‌شود یا اینکه وقت آزاد دارد که به ترتیب زیر انجام می‌گیرد.

نخست مشتری دو زانو می‌نشیند و مشتمالچی پشت سر او می‌ایستد. از کمر مشتری شروع می‌کند و با دست به ترتیب دست‌ها، سینه، سر و گردن و در پایان، پنجه پاهای مشتری را به آرامی مالش می‌دهد. هر چه بر فشار دست‌ها افزوده شود، مالش قوی‌تر می‌گردد. پس از آن، مشتمالچی می‌ایستد، دست به گردن، سینه و پهلوهای مشتری می‌کشد و دو سه بار بی وقفه از کف پاها سوار می‌شود و از انتهای گردن وی به سمت ستون فقرات سُر می‌خورد. بعد از این مرحله دست راست را از جانب چپ و بر عکس می‌چرخاند و دو دست مشتری را از دو طرف به پشت او می‌رساند. در همان‌حال که کف دست‌های او به سمت خودش قرار دارد، وی را بغل می‌کند و چندین بار بالا می‌کشد تا صدایی از بندهای ستون فقراتش بلند شود یا باصطلاح رگ قولنجش بشکند. سپس نوبت به مشتمال گردن می‌رسد. وی گردن مشتری را با فشاری آرام، می‌چرخاند و از آن صدایی بر می‌آورد. در پایان یکبار او را به سمت شانه راست و یک بار به سمت شانه چپ می‌خواباند و با مشتمال و فشار بر پهلوها و اعضای دو طرف، بدن را نرم می‌کند. تا اینجا اندک اندک کوفتگی از مشتری بیرون می‌آید و به وی حالت رخوت دست می‌دهد و آماده مشتمال کامل می‌گردد. در این حالت، مشتری به پشت می‌خوابد و یکی از دلاکان زیر سر وی لنگ خشکی می‌گذارد. مشتمالچی چندین بار با دو کف دست به مالش سینه، شکم و پهلوهای مشتری می‌پردازد و در حالی که کف دست‌های او بر روی سینه مشتری است، به سمت راست و چپ بدن می‌جهد، ساعد و بازوهای او را مالش و به سمت بالا و پایین حرکت می‌دهد و رگ تک تک انگشتان وی را با تا کردن و کشیدن می‌شکند.

در حالت خوابیده مشتری به پشت می‌خوابد و مشتمالچی ابتدا از ران‌ها شروع می‌کند، سپس دو دست، گردن و سینه را مشت و مال می‌دهد. در حالت دمرو، ابتدا دو پا و پشت گردن مشتری مشت و مال داده می‌شود. آنگاه دو دست مشتری به صورت ضربدر در هم می‌شکند و مشتمالچی پشت مشتری می‌نشیند، کمر او را لگد می‌کند و گردن او را مالش می‌دهد. در نهایت، مشتمالچی دست‌های خود را قلاب می‌کند، زیر چانه مشتری می‌گذارد و گردن او را به طرفین می‌چرخاند. پس از آن، نوبت به صورت مشتری می‌رسد.

این مشتمال در گرمخانه داخل گرمابه شامل ضرب و زور و مالش و نرمش بود، اما مشتمال در سربینه، با دست به آرامی بر روی تن مشتری انجام می‌گرفت. مگر افرادی که خود مایل بودند پس از عرق‌گیری، در سربینه مشتمال قوی‌تری بر روی بدن آن‌ها انجام شود.

در اصطلاح گرمابه‌داران، به مشت و مال داخل گرمابه "میس" گفته می‌شد اما زمانی که مشتری در سربینه به صورت کامل از سر تا پا مشت و مال داده می‌شد، اصطلاح "چک میس" به کار برده می‌بردند<sup>۱</sup>. پس از پیروزی انقلاب مشت و مال در داخل گرمابه انجام می‌شود و فردی- که کیسه می‌کشد، به مشتریان مشت و مال هم می‌دهد<sup>۲</sup>.

یکی دیگر از روش‌های مشت و مال به کمک پا انجام می‌گیرد. بدین صورت که مشتری به حالت دمرو می‌خوابد و مشتمالچی ابتدا ران‌های پای مشتری، سپس کمر وی را لگد می‌کند. آنگاه با یک پا روی کمر مشتری می‌نشیند و دو پای مشتری را به پشت خم می‌کند. در همان حال یک پای خود را میان دو کتف مشتری و پای دیگر را روی زمین می‌گذارد، آنگاه دو پای خم شده مشتری را به دست می‌گیرد و با پاییی که روی کتف می‌گذارد، خود را به سمت جلو می‌کشد و دوباره به عقب برمی‌گردد. مشتمالچی چند مرتبه این عمل را انجام می‌دهد. باید توجه داشت، مشتریان مشتمالچی بیشتر جوانان، افراد قوی‌هیکل و ورزشکاران هستند. سالخورده‌گان،

---

۱ در سکانسی از فیلم "قیصر"، سال ۱۳۴۸، ساخته مسعود کیمیایی و ناصرالدین شاه آکتور سینما، سال ۱۳۷۰، ساخته محسن مخملباف کار مشتمالچی در سربینه به نمایش گذاشته می‌شود. در فیلم اخیر زنده یاد محمدعلی کشاورز در گرمابه نقش مشتمالچی را ایفا می‌کند.

۲ اطلاعات این بند را آقای امانی گرمابه‌دار در اختیار نگارنده گذاشته‌اند.

افراد نحیف و زنان تحمل حرکات محکم و شدید مشتمالچی را ندارند. (شهری، ۱۳۸۱، ج ۱: ۴۹۰-۴۸۶، ۵۱۰؛ رضایپور، ۱۳۸۱: ۲۲۵-۲۲۲) (تصاویر ۱ تا ۷).

سرهنگ گاسپار دروویل<sup>۱</sup> جهانگرد فرانسوی حدود دو سده پیش به ایران سفر کرد و در گرمابه‌های ایرانی مشتمت و مال گرفت. وی که از غرب وارد جامعه ایرانی شد، شاهد فعالیت دلاکان و مشتمالچی‌ها بود و در گزارش خود، شغل دلاکان را شرح می‌دهد. توضیحات او تقریباً نظیر کاری است که امروزه مشتمالچی و دلاکان در گرمابه‌ها انجام می‌دهند با این تفاوت که در آن زمان دو نفر به مشتمت و مال مشتریان می‌پرداختند. وی می‌گوید دو دلاک پر زور که مانند مشتریان گرمابه برهنه‌اند، مشتری را در خزینه روی سنگ‌های مرمر می‌خوابانند در حالی که بالشتکی زیر سر وی می‌گذارند. در این حال دلاکان با فوت و فن خاصی مشتمت و مال را شروع می‌کنند. بر اساس مشاهدات وی مشتمت و مال در امتداد پیچ عضلات انجام می‌شود، دست‌ها را در جهات مختلف می‌چرخانند و در تمام مدتی که دو دلاک به مشتمت و مال مشغول‌اند، کارگر دیگری مرتباً آب گرم به سراپای مشتری می‌ریزد. به این ترتیب عضلات نرم می‌شود و درد ناشی از مشتمت و مال کاهش می‌یابد. پس از مشتمت و مال، دلاکان کیسه‌کشی را شروع می‌کنند. دروویل مشتمت و مال در گرمابه را یکی از بهترین راه‌های درمان دردهای عضلانی می‌داند که نخست طاقت فرساست، اما خیلی زود فرد بدان عادت می‌کند و از نتیجه عالی آن بهره‌مند می‌شود (۱۳۳۷: ۶۲-۶۱).

همان‌طور که یادآور شدیم مشتمت و مال مخصوص مردان بود و به زنان اختصاص نداشت. بجز موارد خاص که زنان زائو در حمام زنانه مشتمت و مال داده می‌شدند. بدین ترتیب که زن زائو را روی یک سنگ داغ در داخل گرمابه می‌نشاندند، بدن او را با زرد چوبه و روغن حیوانی چرب می‌کردند و آنقدر مالش می‌دادند تا مواد جذب بدن زائو گردد. پس از آن با فشار انگشتان دست بر روی بدن او تخم مرغ می‌مالیدند تا چربی روی پوست زائل گردد (رضایپور، ۱۳۸۱: ۲۲۹-۲۲۲). بجز این مورد، نگارنده به موارد دیگری از مشتمت و مال زنان در منابع مکتوب و مستندات شفاهی دست پیدا نکرد.

بر اساس اطلاعات شفاهی بدست آمده از گرمابه‌داران و دلاکان، مشت و مال به صورت سنتی از دیرباز در گرمابه‌های ایران سابقه دارد و با روش ماساژ مدرن متفاوت است. در هنگام ماساژ، مشتری روی تخت دراز می‌کشد و شامل ریلکس و روغن درمانی است. اما مشتمالچی از روغن و کیسه استفاده نمی‌کند و تنها با دو دست یا دو پا بدن مشتری را نشسته یا خوابیده مشت و مال می‌دهد (اطلاعات شفاهی گرمابه‌داران و دلاکان در شهر تهران)

در اینجا باید به این نکته اشاره کرد که به موازات تحولات جامعه در دهه‌های اخیر و تغییر در شکل و کارکرد گرمابه‌ها و کم‌اهمیت شدن و فراموشی برخی مشاغل مربوط به گرمابه، برخی تحولات واژگانی نیز در اصطلاحات مربوط به گرمابه رخ داده است، گرچه تحولات جامعه همواره سریع‌تر از تحولات زبان بوده است. در پی این رخداد، با گسترش یا کاهش حوزه معنایی در برخی واژه‌های مربوط به مشاغل گرمابه مواجهیم. در مورد شغل دلاک و مشتمالچی، علاوه بر تحول در شغل که امروزه هر دو به یک نفر محول شده است، شاهد کاهش معنایی واژه مشتمالچی هستیم. به طوری که در اغلب موارد در منابع مربوط به گرمابه، معنای واژه مشتمالچی با دلاک یکسان در نظر گرفته شده و هر دو شغل به یک نفر نسبت داده شده است (روح‌الامینی، ۱۳۸۶: ۳۶-۳۵؛ آرلاتو، ۱۳۸۴: ۲۰۳-۲۰۱).

### مشتمالچی در زورخانه

مشتمالچی زورخانه در بیشتر منابع شفاهی و مکتوب در ردیف خادم زورخانه ذکر شده است. در یکی از واژه‌نامه‌های زورخانه، مشتمال از رسوم کهن و ضروریات ورزش باستانی بوده و آن عمل ورزش دادن بدن ورزشکار با مالیدن، فشردن و خم و راست کردن عضلات بدن جهت رفع خستگی ورزشی است. به همین علت یک مشتمالچی در هر زورخانه به مشتمال مشغول بوده، اما ورزشکاران به وی اکتفا نکرده و بیشتر، خودشان پس از پایان هر دور ورزش باستانی و خروج از گود، جهت رفع خستگی و کوفتگی ناشی از ورزش سنگین و باز شدن شریان‌ها یکدیگر را مشتمال می‌دادند (جعفری، ۱۳۸۱: ۴۴۰؛ ابوالحسنی ترقی، ۱۳۹۶: ۷۹-۸۰). از آنجا که گود زورخانه محل کشتی دو پهلوان بوده، مشتمال درگذشته رواج بیشتری داشته است. مشتمالچی تنها

پهلوان پیشکسوت را مشت‌مال می‌داد و بقیه ورزشکاران هر دو نفر، یکدیگر را مشت‌مال می‌دادند تا آماده کشتی شوند. شیوه مشت‌مال در زورخانه بدین ترتیب است که نخست مشت‌مالچی زیر بدن ورزشکار لنگی می‌اندازد آنگاه ورزشکار به خاک رفته محکم می‌نشیند و دو دست خود را محکم جلو زانوهای روی زمین قرار می‌دهد. مشت‌مالچی نخست از مالش گردن شروع می‌کند، کم‌کم کف دست‌ها را چند بار با فشار از سرشانه‌ها و روی کتف‌ها تا پایین کمر سُر می‌دهد. سپس ورزشکار دست‌ها را از زمین بر می‌دارد و می‌نشیند. مشت‌مالچی از بالای برجستگی سینه با کف دست‌ها و تمام سنگینی بدن از بالا رو به پایین مالش می‌دهد. ورزشکار دو باره دست‌ها را روی زمین می‌گذارد و به حالت اول می‌نشیند. مشت‌مالچی یکباره بر گرده ورزشکار می‌جهد و با فشار سنگینی بدن روی پنجه پا، آهسته از سر ستون فقرات پاها را با فشار رو به پایین سُر می‌دهد. پس از تکرار این عمل، پشت سر ورزشکار می‌ایستد، بدن خود را جمع می‌کند و به هوا می‌جهد و سنگینی بدن خود را از سمت بازو و پهلوی راست بر پشت او می‌کوبد. در این حال ورزشکار بی‌آنکه تکان بخورد بر جای می‌ماند. پس از چند بار تکرار این عمل، مشت‌مال به پایان می‌رسد و مشت‌مالچی کف دو دست را به هم می‌زند و ورزشکار مزد دستش می‌گوید: "دست شما درد نکند". مشت‌مال شونده باید قوی باشد و گرنه زیردست مشت‌مالچی طاقت نمی‌آورد. در مشت‌مال زورخانه‌ها از روغن یا ماده دیگری برای چرب کردن استفاده نمی‌کردند مگر برخی موارد که بدن ورزشکار درد داشت و برای مشت و مال، گلیسیرین به کار برده می‌شد (انصاف پور، ۱۳۸۶: ۲۹۲-۲۹۱؛ اطلاع شفاهی مرشد محمد باقر مافی) (تصاویر ۸ و ۹).

در اینجا شغل مشت‌مالچی به نقل از باستانی‌کاران و مرشدان از گذشته تاکنون توضیح داده می‌شود.

در گذشته، غالباً افرادی که پس از سال‌ها ورزش باستانی و حضور در گود زورخانه به سن بازنشستگی می‌رسیدند و دیگر توان ورزش و کشتی گرفتن نداشتند، به عنوان مشت‌مالچی به کار گرفته می‌شدند (فجقی نژاد، ۱۳۸۲: ۸۸). مشت‌مالچی پهلوان را در "جا سنگی" یا "سفره" زورخانه مشت و مال می‌داد و به همه امور خدماتی رسیدگی می‌کرد. تا یک دهه پیش از پیروزی انقلاب شغل این افراد رونق داشت، اما بتدریج نقش این افراد در زورخانه‌ها کم‌رنگ شد و امروزه

مشتمالچی‌ها، تنها آبدارچی زورخانه‌ها هستند. البته تا زمان حال نیز، اگر ورزشکار سرشناس و قدیمی وارد زورخانه شود که به قول اهالی زورخانه، چراغ روشن‌کن باشد و به دستگیری از بینوایان بپردازد، مشتمالچی با احترام، وی را می‌نشانند و مشت و مال سبکی می‌گیرد. مشتمالچی‌ها، علاوه بر دریافت دستمزد از زورخانه داران، از ورزشکاران نیز انعام دریافت می‌کنند و بیشتر مواقع انعام آنان از دستمزد شان بیشتر است<sup>۱</sup> (اطلاعات شفاهی مرشد پرویز نوکار و احمد پردیک ورزشکار و سازنده ضرب زورخانه).

وظایف مشتمالچی زورخانه تا دهه ۱۳۳۰ فراتر از امور خدماتی بوده است. وی علاوه بر رسیدگی به امور نظافت، دم کردن چای، باز کردن و قفل کردن در زورخانه پس از خروج ورزشکاران، پارو کردن برف و ایجاد معبر ورودی، روشن کردن چراغ‌ها و بخاری‌ها، شستن لنگ‌ها<sup>۲</sup>، قصابی و آشپزی، مرمت و تعویض پوست ضرب، به مشت و مال ورزشکار پیش‌کسوت نیز می‌پرداخت. اما مهم‌تر از همه اینکه، مشتمالچی نماینده زورخانه‌دار و مرشد بود و بسیاری از کارها را اداره می‌کرد. به طور مثال اگر در گود ورزشکارها ایستاده بودند و فردی وارد زورخانه می‌شد، فرد وارد شده در هر مرتبه‌ای بود، از در صلواتی، پهلوان یا صاحب زنگ، احترام وی بر عهده مرشد بود و هیچکس اجازه نداشت به تازه وارد خوشامد بگوید یا هر کار دیگری که از ادب به دور باشد از ورزشکاران سر بزند. اگر خطایی از ورزشکاری در گود سر می‌زد، از سوی مشتمالچی به وی تذکر داده می‌شد. بدین ترتیب که روز بعد، مشتمالچی لنگ‌ها را یکی یکی روی زانوی ورزشکارها قرار می‌داد، اما به فردی که از او اسائه ادب سر زده بود، لنگ نمی‌داد. زمانی که آن فرد علت را از زورخانه‌دار یا مرشد جویا می‌شد، به وی تذکر داده می‌شد که باید در زورخانه رعایت ادب را نگه دارد. همچنین مشتمالچی شان و مرتبه ورزشکاران را می‌سنجید و به آن‌ها احترام می‌گذاشت و به آن‌ها لنگ و تنکه می‌داد (اطلاع شفاهی مرشد محمد باقر مافی)<sup>۳</sup>.

---

۱. گاهی دستمزد مشتمالچی تنها انعام ورزشکاران بوده است (گفته حسین گودرزی، مشتمالچی زورخانه طلاچی؛ مختاری، ۱۳۸۱: ۳۱۶).

۲. در دوره‌های اخیر مشتمالچی لنگ‌ها را به خشکشویی می‌دهد (همان: ۳۱۵-۳۱۴).

۳. وی شاهد بوده که مشتمالچی‌ای به نام جعفر جباری در زورخانه سعادت این‌گونه به ورزشکار خطای تذکر داده است.

از یکی از مرشدان پیش‌کسوت شنیدیم که در دهه ۱۳۴۰ آقا مجید برادر کریم سیاه زورخانه‌دار، مشتمالچی بود. او در زورخانه برادر به امور نظافت می‌رسید، سماور را روشن و چای برای ورزشکاران آماده می‌کرد. وی در ادامه مطالب درباره شغل مشتمالچی چنین می‌گوید: "من قبل از اینکه مرشد بشم خودم از ۱۳۲۰ ورزشکار بودم. تو زورخونه باغ ایلچی. بعد به مرشد داشتیم سید محمد میرکاشانی. من دو سال با این سید محمد شریک شدم، زورخونه بازارچه کلباسعلی را از آقای پهلوانپور اجاره کردیم. سید محمد سر دم بود، من پای سماور مشتمالچی بودم. اونجا صدای ضرب تو گوشم پخته شد. اون موقع تو ارتش استوار بودم، از اداره میومدم، لباس رو در میاوردم، جارو دست می‌گرفتم، زورخونه رو جارو می‌کردم، کف گود رو پاک می‌کردم، چای آماده می‌کردم تا ورزشکارها بیایند. (اطلاع شفاهی مرشد حاج قاسم خوش هیکل)<sup>۱</sup>.

مشتمالچی خوش‌نام، امین صاحب زورخانه بود و گاه وساطت نوجوانی را می‌کرد تا به زورخانه راه یابد. همه صاحبان زورخانه‌ها، مشتمالچی‌ها را می‌شناختند.

بیشتر اوقات مشتمالچی پیش از این شغل، ورزشکار زورخانه بوده، اما گاهی هیچ وقت ورزشکار نبوده است. به طور مثال مصطفی کیانتاش<sup>۲</sup> از مشتمالچی ناشنوی سالخورده‌ای یاد می‌کرد که بسیار خوش اخلاق و خوش برخورد بود، با ایما و اشاره با مردم ارتباط برقرار می‌کرد و هرگز ورزشکار نبوده ولی به کار کردن در زورخانه علاقه داشته است.

با توجه به موارد مذکور، شغل مشتمالچی زورخانه، مشتمال ورزشکار و رسیدگی به امور خدماتی زورخانه بوده است. اما پس از جدا شدن کشتی از زورخانه، ورزشکاران دیگر به مشتمال در زورخانه رغبتی نشان نمی‌دهند و مشتمالچی زورخانه تنها سمت آبدارچی را دارد و تا امروز این واژه با کاربرد معنایی محدودتر در زورخانه به کار می‌رود. مسلماً این کاهش معنایی

۱. در بازدید میدانی از زورخانه پهلوانپور در دی ماه ۱۳۹۶، در هنگام نواختن ضرب و اجرای ورزش باستانی، یکی از ورزشکاران آهسته به من گفت چون میهمان هستید انعام مشتمالچی را فراموش نکنید (شریفی، ۱۳۹۶).

۲. وی فرزند علی کیانتاش معروف به علی ټکټک، صاحب امتیاز زورخانه طلاچی بود (مختاری، ۱۳۸۱: ۴۴۳).



به تدریج و از طریق انواع ارتباط‌های معنایی به انجام رسیده و در حال حاضر واژه مشتمالچی در زورخانه به مفهوم خاص خدمتکار و آبدارچی اطلاق می‌شود (آرلاتو، ۱۳۸۴: ۲۰۳-۱۸۹).

### پیشنهادی جهت باززایی شغل مشتمالچی در روزگار کنونی

با مطالعه شغل مشتمالچی در دو مکان گرمابه و زورخانه درمی‌یابیم که حکایت مشتمالچی تنها شغلی فراموش شده نیست. در زورخانه با جدا شدن کشتی پهلوانی از گود زورخانه و کمرنگ شدن سنت پهلوانی، در حال حاضر امکانی برای باززایی شغل مشتمالچی در این مکان به نظر نمی‌رسد. اما مشتمالچی در گرمابه حکایتی دیگر دارد. بیشتر گرمابه‌های تاریخی و سنتی در نقاط مختلف ایران ویران و متروک شده‌اند. وزارت میراث فرهنگی و گردشگری، شهرداری و بخش خصوصی برخی از این گرمابه‌ها را بازسازی و تغییر کاربری داده‌اند. به طور مثال حمام وکیل شیراز به رستوران سنتی و سپس موزه، حمام گله‌داری بندرعباس، حمام علی قلی آقا در اصفهان و حمام گنجعلیخان کرمان به موزه مردم‌شناسی، حمام نواب تهران به نمایشگاه صنایع دستی، حمام خان یزد و حمام جارچی باشی اصفهان به رستوران سنتی و حمام وزیر اصفهان به کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان<sup>۱</sup> تغییر کاربری داده‌اند. در مواردی نیز این بناها از سوی میراث فرهنگی به ثبت آثار ملی ایران رسیده است، نظیر حمام فین و حمام سلطان امیر-احمد در کاشان و روزانه گردشگران زیادی از جذابیت‌ها و آرایه‌های معماری این اماکن تاریخی بازدید می‌کنند (مشاهدات میدانی نگارنده).

این تغییر کاربری‌ها با دغدغه حفظ سازه‌های تاریخی انجام می‌گیرد و عمل پسندیده‌ای است اما اجرای این طرح‌ها کاستی‌هایی نیز در بردارد. این کاستی‌ها در تغییر کاربری گرمابه‌ها به رستوران‌های سنتی و مراکز فرهنگی بیشتر دیده می‌شود و متأسفانه مداخلات فراوانی در سازه اصلی صورت می‌گیرد. به طوری که فرد ناآشنا یا گردشگر خارجی، تصویر نارسایی از گرمابه عمومی در ذهن ترسیم خواهد کرد؛ نمونه آن حمام وزیر اصفهان است. در این مکان، خزینه کاملاً با سیمان پُر شده و به جای آن کولر نصب گردیده و فرد هنگام بازدید از این محل، حس

۱. نگارنده در سال ۱۳۷۶ در حمام وزیر اصفهان به عنوان مربی کودک مشغول به کار بوده است.

و حال ورود به گرمابه را پیدا نمی‌کند. در شرایط کنونی، تبدیل گرمابه به موزه مردم‌شناسی شاید بهترین تغییر کاربری باشد. این موزه‌ها، موضوع گرمابه‌های سنتی را به گردشگران معرفی می‌کنند و بدون تغییر در معماری سازه، تمامی اجزای سازه به نمایش گذاشته می‌شود. همچنین استفاده از مجسمه، ماکت و دیگر ابزار تصویری به بازدیدکنندگان کمک می‌کند تا تصویری نزدیک به واقعیت از گرمابه‌های تاریخی نشان داده شود. با وجود مرمت دقیق این بناها و کوشش‌های تحسین برانگیز صورت گرفته، این تغییر کاربری‌ها دارای محدودیت‌هایی است. نگرانی ایجاد کنندگان این موزه‌های مردم‌شناسی، محدود به حفظ سازه معماری و نگاهی نوستالژیک به گذشته است و همان طور که از نامگذاری آنان بر می‌آید، این بناها موزه هستند و در بهترین حالت فسیلی از رسوم و حیات اجتماعی فراموش شده را به نمایش می‌گذارند. ساخت این موزه‌ها در واقع نوعی اعلام پایان حیات گرمابه‌های عمومی، رسوم و مشاغل وابسته به آن نیز هستند. این تغییر کاربری‌ها به کارکردهای اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی این سازه‌ها و شغل‌های مرتبط بدان نمی‌پردازند زیرا گرمابه‌های عمومی را پدیده‌ای پایان یافته و مربوط به گذشته می‌پندارند.

پیشنهاد نگارنده برای اصطلاح "مشت و مال"، ماساژ ایرانی است. این نوع ماساژ ریشه در طب سنتی ایران دارد.

در صورت ترویج روش مشت‌مال با نام مکتب ماساژ ایرانی و تفهیم تفاوت آن با سبک ماساژ تایلندی و اروپایی، گرمابه‌ها این پتانسیل را خواهند داشت تا مفهوم دقیق و مزایای مشت‌مال را به آگاهی عموم برسانند، شغل مشت‌مالچی جایگاه خود را در مشاغل مرتبط با گرمابه در حیات جامعه ایرانی دوباره بازیابد و پس از این دیگر، جهت حفظ این سازه‌ها در اندیشه تغییر کاربری آن‌ها نباشیم.

صنعت گردشگری یکی از صنایع مهم و کاربردی در اقتصاد جهانی است و با تبلیغ آگاهانه و هدفمند می‌توان مشت و مال را به گردشگران ورودی در کشور معرفی کرد و بدین ترتیب نقش مهمی در احیای مکتب ماساژ ایرانی و شغل‌های مرتبط با گرمابه ایفا کرد. بدیهی است تا

زمانی که جامعه‌ای از داشته‌های خود آگاه نباشد، نمی‌تواند آن را در معرض دید جوامع دیگر قرار دهد. در واقع، نخستین مصرف‌کننده هر خدماتی، مردم همان سرزمین هستند. از سویی، مشکلات ترافیک و تردد در کلان شهرها، آلودگی هوا و غیر بهداشتی بودن برخی گرمابه‌های عمومی، مانع حضور مشتریان در گرمابه‌ها می‌شود. امروزه این امکان وجود دارد که گرمابه‌های عمومی به کمک کانال‌های اجتماعی اینترنتی و دیگر شیوه‌های بازاریابی امکانی فراهم آورند تا متقاضیان مشتمال این خدمات را در منازل شخصی دریافت کنند. به واقع حمام-های شخصی می‌توانند به مکانی برای رشد و احیاء این شغل تبدیل شوند. از سوی دیگر، این شغل در گذشته صرفاً حرفه‌ای مردانه بود و تنها دریافت‌کنندگان خدمات آن نیز مردها بودند. این امکان وجود دارد با تغییری اندک در تعدیل روش‌های مشتمال این خدمات به زنان هم ارایه گردد. برای رسیدن به این هدف می‌توان زنان مشتمالچی تربیت کرد. اضافه شدن زنان به جمع دریافت‌کنندگان این خدمات، ضریب نفوذ مکتب ماساژ ایرانی را در جامعه دو برابر می‌کند و سبب ایجاد شغل جدید زنانه از طریق تربیت زنان مشتمالچی و افزایش درآمد گرمابه‌ها و موسساتی می‌شود که این خدمات را ارایه خواهند داد.

نوگرایی موجب شده تا در جوار گرمابه‌های عمومی، مجوز ساخت باشگاه‌های ورزشی نوساز و تمیز با تجهیزات استخر، وسایل ورزشی و بدنسازی، دوش آب سرد و گرم، سونا، جکوزی و ماساژور داده شود. در مقابل روز به روز از مشتریان گرمابه‌ها کاسته می‌شود. در صورتی که در کلان شهری چون تهران که افراد همواره در رفت و آمد هستند، نیاز به گرمابه‌های عمومی و نمره اجتناب‌ناپذیر است. یکی از راه‌های باز زنده سازی گرمابه‌ها، باز زایی مشاغل فراموش شده در گرمابه است. مشاغلی که پتانسیل تطبیق با تکنولوژی و جامعه امروزی را داشته باشد. نخست شاگردان باید نزد استاد بروند و این مهارت را آموزش ببینند.<sup>۱</sup> بدیهی است که در احیای این شغل نباید محدود به بازاریابی‌های سنتی شویم. تکریم این شغل از راه رسانه‌های جمعی، به‌ویژه برنامه‌های مستند علمی- پزشکی و سریال‌های تلویزیونی، مقالات علمی، اصلاح و بهبود روش‌های مشتمال با بهره‌گیری از طب سنتی - آبشخور این مکتب-، نظارت بر

---

۱. در سنت زردشتی به این عمل اوستاشوون گفته می‌شود (اطلاع شفاهی استاد کتابون مزداپور).

بهداشت این اماکن و حمایت مالی بانک‌ها و موسسات اعتباری برای ساخت و تجهیز گرمابه‌ها می‌تواند کمک موثری در استفاده از این توانایی بالقوه در ایجاد شغل و تولید ثروت داشته باشند. مشتمال سنتی را باید از راه‌های گوناگون نظیر تبلیغات در فضای مجازی به افراد شناساند. معرفی مشتمال و افرادی که بدین کار مشغولند، می‌تواند در جلب گردشگر گام موثری باشد و با به کارگیری این افراد، می‌توان در بخش گردشگری، سرمایه‌گذاری کرد. نظیر گرمابه توریستی سنتی باب همایون نزدیک میدان امام خمینی تهران که با همکاری آژانس‌های مسافرتی، فضای مجازی و چاپ بروشور روزانه پذیرای ده‌ها گردشگر ایرانی و خارجی است و خدماتی نظیر کیسه‌کشی، مشت و مال سنتی و برگزاری مراسم حمام دامادی و حنابندان و... را ارائه می‌دهد (تصاویر ۱۳-۱۰). نگارنده در فروردین ۱۳۸۹ خود شاهد بود که در شهر حمامت تونس، بیشتر گردشگران از سراسر دنیا تنها برای استفاده از حمام‌های سنتی، ماساژ و آب‌درمانی به این منطقه سفر می‌کنند.

به هر حال مشتمالچی‌ها چه در زورخانه، چه در گرمابه حاملان میراث فرهنگی ناملموس و دارندگان زنده دانش‌های سنتی بشری هستند. بنابراین دفتر ثبت آثار میراث ناملموس وزارت میراث فرهنگی و گردشگری باید نام این افراد را در فهرست حاملان این میراث ثبت کند تا اطلاعات شفاهی و مهارت‌های شغلی آنان برای آیندگان به یادگار بماند. این امر علاوه بر صیانت فرهنگ و انتقال دانش سنتی، موجب باز زنده سازی این شغل و رشد گردشگری در جامعه ایرانی خواهد شد. فقدان این استادکاران لطمه‌ای جبران‌ناپذیر به این میراث وارد خواهد کرد.

### نتیجه‌گیری

بر اساس شواهد و مستندات که برشمردیم، علاوه بر حفظ کالبد معماری گرمابه و زورخانه، باید به مسائل فرهنگی و مردم‌شناختی این اماکن توجهی ویژه داشت. گرمابه و زورخانه نهادهایی تأثیرگذار برای بیان باورها، اندیشه‌ها و آرزوهای افراد جامعه بوده و نقش مهمی در انتقال میراث باارزش مردمی به عامه مردم داشته‌اند و رشته پیوندهای تاریخی، فرهنگی و مذهبی را در میان نسل‌ها نگه داشتند. متأسفانه این اماکن که محل ترویج فرهنگ سنتی و شفاهی

گذشتگان بوده‌اند به تدریج پیوندهای فرهنگی خود را با سنت‌های قدیم گسسته و بسیاری از مسائل فرهنگی و مشاغل رایج در این اماکن به فراموشی سپرده شده‌اند. در این پژوهش سعی شد به توصیف شغل مشتمالچی از گذشته تا زمان حال پردازیم و پیشنهادهای جهت احیاء این شغل در گرمابه ارائه دهیم. مهارت مشتمالچی در دو مکان کاربرد داشته، یکی در گرمابه که پس از شستشو، مشتمت و مال می‌داده است، دیگری در زورخانه که به مشتمت و مال پهلوان می‌پرداخته است. اما همانطور که متذکر شدیم این شغل، تغییر ماهیت یافت و امروزه مشتمالچی در گرمابه با دلاک و در زورخانه با آبدارچی یکسان در نظر گرفته می‌شود. همان طور که می‌بینیم به موازات تغییر شغل، تغییر در معنای واژه مشتمالچی رخ داد. اساس این تغییر معنا را باید در تحولات اجتماعی جستجو کرد و دیر زمانی است که اثری از آن در منابع مکتوب و حافظه تاریخی مردم جامعه باقی نمانده است.

## منابع

- آرلاتو. آنتونی (۱۳۸۴). در آمدی بر زبان‌شناسی تاریخی. ترجمه یحیی مدرس. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- ابوالحسنی ترقی. مهدی (۱۳۹۶). زورخانه در ایران. تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- ابوالقاسمی. محسن (۱۳۷۴). ریشه‌شناسی (اتیمولوژی). تهران: ققنوس.
- ابوعلی سینا. (۱۳۸۹). قانون. ترجمه عبدالرحمن شرف‌کندی (هه‌ژار). ج ۱. تهران: سروش.
- احمدی. مرتضی (۱۳۸۵). کهنه‌های همیشه نو (ترانه‌های تخت حوضی). تهران: ققنوس.
- اکبری. پروش (۱۳۹۷). حمام در ایران. تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- افشاری، مهرا. ۱۳۸۴. آیین جوانمردی. تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- امین. رفیع (۱۳۱۳). تاریخ طب از مبدأ تا امروز. ارمغان. دوره ۱۵. سال ۹. شماره ۱. صص ۲۱-۱۳.
- انصاف‌پور. غلامرضا (۱۳۸۶). تاریخ و فرهنگ زورخانه. تهران: اختران.
- انوری. حسن (۱۳۸۲). فرهنگ فشرده سخن. تهران: سخن.
- پاپلی‌یزدی. حسین (۱۳۹۵). شازده حمام. تهران: پاپلی و گوتنبرگ.
- توسلی. غلامعباس (۱۳۷۵). جامعه‌شناسی کار و شغل. تهران: سمت.

- جعفری. شعبان (۱۳۸۱). **خاطرات**. به کوشش هما سرشار. تهران: ثالث.
- چهارده رساله در باب فتوت و اصناف (۱۳۸۱). تصحیح مهراڻ افشاری- مهدی مداینی. تهران: چشمه.
- دروویل. گاسپار (۱۳۳۷). **سفرنامه دروویل**. ترجمه جواد محیی. تهران: گوتنبرگ.
- دهخدا. علی‌اکبر (۱۳۵۰). **لغت‌نامه**. ج ۳۹. تهران: سازمان چاپ دانشگاه تهران.
- رضایپور. فاطمه (۱۳۸۱). **مردم شناسی حمام‌های کرمان (گزارش پژوهشی)**. تهران: آرشیو پژوهشکده مردم‌شناسی
- روح‌الامینی. محمود (۱۳۸۶). **حمام عمومی در جامعه و فرهنگ و ادب دیروز: نگرش مردم-شناختی**. تهران: اطلاعات.
- سازمان عمران و بهسازی شهری وزارت مسکن و شهرسازی (۱۳۷۲). **باززنده سازی یک اثر "حمام وزیر"**.
- سلیمی مویذ. سلیم (۱۳۹۸). **آب حوضی پیشه فراموش شده قبل از عید نوروز در تهران**. دو فصلنامه تخصصی نوروز. سال ۳. شماره ۳. صص ۶۹-۶۲.
- شریفی. گلغام (۱۳۹۶). **بررسی انسان‌شناختی سازندگان اسباب و آلات ورزش باستانی (گزارش پژوهشی)**. تهران: آرشیو پژوهشکده مردم‌شناسی.
- شهری. جعفر (۱۳۸۱). **طهران قدیم**. ج ۱ و ۴. تهران: معین.
- علیپور. نسیم؛ ولی‌زاده. نیما (۱۳۸۴). **حمام‌های خصوصی و خانگی**. در: مجموعه مقاله‌های همایش حمام در فرهنگ ایرانی. صص ۴۱۱-۴۰۳.
- قجقی‌نژاد. شاهپور (۱۳۸۲). **پژوهشی بر مردم‌شناسی ورزش‌های زورخانه‌ای در کرمان (گزارش پژوهشی)**. تهران: آرشیو پژوهشکده مردم‌شناسی.
- کرمانی. محمد کریم بن ابراهیم (۱۳۹۵). **رساله در متعلقات صنعت دلاکی**. تهران: سفیراردهال.
- کریمیان سردشتی. نادر (۱۳۸۲). **کتاب‌شناسی حمام**. تهران: سازمان میراث فرهنگی کشور.
- مختاری. ابراهیم؛ صابر. هدی (۱۳۸۱). **میراث پهلوانی**. تهران: اداره کل آموزش.
- مکنزی. د. ن. (۱۳۷۳). **فرهنگ کوچک پهلوی**. ترجمه مهشید مبرفخرایی. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

- معین. محمد(۱۳۴۳)[۱۳۷۱]. فرهنگ فارسی. تهران: امیرکبیر.
- موسی پور. ابراهیم(۱۳۹۰). زندگی حرفه‌ای گازران در تاریخ اجتماعی. مجله انسان‌شناسی. سال ۹. شماره ۱۴. صص ۱۰۴-۹۴.
- ناپیل. ج. س. (۱۳۹۴). مشتمالچی عارف. ترجمه مهدی غبرائی. تهران: ققنوس.
- نجمی. ناصر(۱۳۶۸). دارالخلافة طهران در یکصد سال پیش. تهران: ارغوان.
- نیبور. کارستن(۱۳۵۴). سفرنامه کارستن نیبور. مترجم پرویز رجیبی. تهران: توکا.

### تصاویر پیوست



۱



۲



۳



۴





۱۶

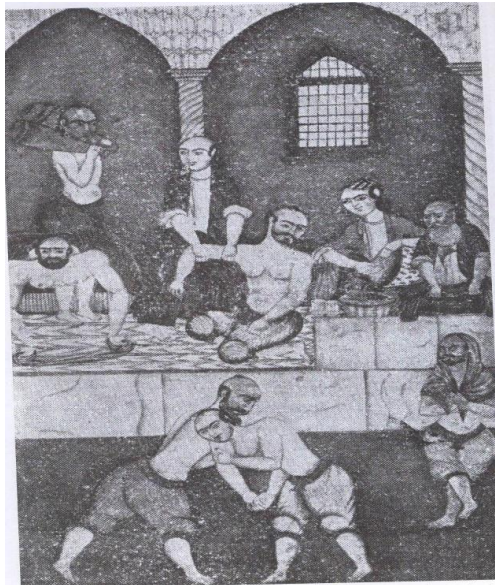


۵

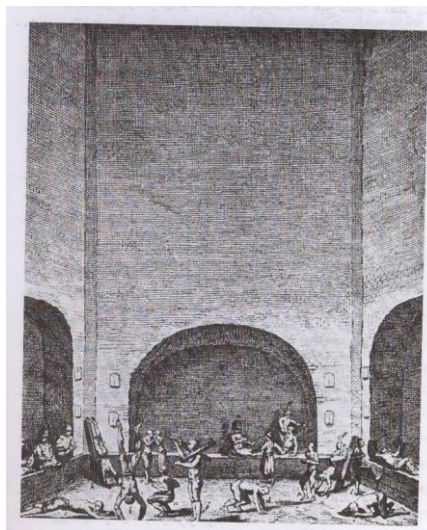


۲۷

- 
۱. عکس‌ها را آقای محمد امانی گرمابه‌دار، ۴۵ ساله باب همایون در اختیار نگارنده گذاشته‌اند.
  ۲. عکس فوق را آقای محمد امانی از یکی از گرمابه‌های تبریز تهیه کرده‌اند. از ایشان بسیار سپاسگزارم.



۸. زورخانه مربوط به دوره فتحعلیشاه قاجار، افشاری: ۴۸



۹. زورخانه مربوط به دوره کریم‌خان زند، نیبور: ۲۵۸



۱۰ تا ۱۳. حضور گردشگران اروپایی در گرمابه باب همایون تهران